

لغو کنسرت‌ها حاصلی جز دوقطبی کردن جامعه ندارد / ساسی هر مزخرفی را به زبان می‌آورد



photo : Mohammadhosein Movahedinejad

شناسه خبر : ۱۳۳۳۰۲ دوشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۳:۱۵

میدیا فرج نژاد آهنگساز و نوازنده موسیقی ایرانی معتقد است که محدودیت‌هایی که برای برگزاری کنسرت‌های موسیقی در برخی شهرها ایجاد می‌شود، نتیجه‌ای جز دوقطبی کردن جامعه ندارد.

موج خبر - یاسر یگانه

موسیقی ایران در این روزها با مسائل مختلفی مواجه است؛ یک روز داستان آمدن معین به ایران مطرح می‌شود. روز دیگر ویدیویی از ساسان یافته (ساسی) منتشر می‌شود و هزاران داستان شکل می‌گیرد. یک روز ماجرای تک‌خوانی بانوان و روز دیگر صحبت از یک میلیون مخاطب کنسرت‌های داخلی در یک ماه است. کنسرت علیرضا قربانی در اصفهان و به دلیل حضور نوازندگان زن لغو می‌شود و همین کنسرت در تهران برای سانس‌های بسیاری روی صحنه می‌رود. خبر می‌آید که

حضور یکی از خوانندگان زنِ عرب در سی و نهمین جشنواره موسیقی فجر محتمل است.

اخبار از این دست بسیارند؛ اوضاع طوری پیش می‌رود که گویی حاشیه و موسیقی با هم عجین شده‌اند و قصد جدایی هم ندارند.

اما پرداختن به این اوضاع و صحبت کردن درباره برخی از این حاشیه‌ها، لازم و ضروری است. باید از نگاهی عمیق‌تر و زاویه‌ای بازتر این ماجراها را بررسی کرد. باید نشست و درباره اوضاع موسیقی ایران و البته حاشیه‌ها و دردسرهایی که این هنر همواره با آن دست به گریبان بوده، صحبت کرد. برای این منظور از میدیا فرج نژاد آهنگساز و نوازنده موسیقی ایرانی دعوت کردیم تا برای ساعتی با او هم‌کلام شویم و درباره موضوع‌های مهم و روزِ موسیقی ایران با او هم‌کلام شویم.

فرج نژاد از نسل آهنگسازانی است که از مرز چهل سالگی گذشته و در این سال‌ها نگاهی تازه را وارد موسیقی ایرانی کرده‌اند. فرج نژاد و هم‌نسلانش جسورانه‌تر با موسیقی و شعر مواجه می‌شوند و شیوه کار و تمایل‌شان در عرصه موسیقی بیشتر به سمتِ فعالیتِ مستقل است. فرج نژاد در پاییز امسال توانست با ارائه‌ی آلبومی در قالب پروژهِ «تار و تاریخ» دو جایزه بین‌المللی را برای موسیقی کشورمان به ارمغان بیاورد. در گفت‌وگو با میدیا فرج نژاد درباره اوضاع موسیقی، حاشیه‌هایی مانند ماجرای آهنگِ جدیدِ ساسی، لغو کنسرت قربانی و مسائلِ دیگری صحبت کردیم که در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید:



شما سال‌هاست که در عرصه موسیقی ایرانی فعال هستید و در این سال‌ها با فراز و نشیب‌های این عرصه مواجه شده‌اید. اکنون اوضاع را چطور می‌بینید! آیا اوضاع خوبی بر موسیقی ایرانی حاکم است؟

اینکه اوضاع چگونه است دو وجه دارد؛ نخست اینکه ما در این چند سال گذشته چه دیده‌ایم و آینده را چگونه پیش‌بینی می‌کنیم و دوم اینکه در این چند سال چه بر ما گذشته است!

درباره بخش اول ماجرا باید بگویم، در این چند ساله من بسیار امیدوار شدم که ما نسل بسیار توانمندی از فعالان عرصه موسیقی داریم که با اشتیاق برای یادگیری موسیقی تلاش می‌کنند. در پهنه جغرافیای این کشور هنرجویان بسیاری هستند که در تلاش برای روایت‌گر شدن موسیقی ایران هستند.

در این چند ساله من بسیار امیدوار شدم که ما نسل بسیار توانمندی از فعالان عرصه موسیقی داریم که با اشتیاق برای

یادگیری موسیقی تلاش می‌کنند. در پهنه جغرافیای این کشور هنرجویان بسیاری هستند که در تلاش برای روایت‌گر شدن موسیقی ایران هستند.

اما اینکه چه گذشته باید بگویم که ما خیلی شاهد فعالیت‌های خوبی نبودیم و این حوزه بسیار محدود است. بیشتر هنرمندان ترجیح دادند که فعالیت‌های مستقل داشته باشند. این مستقل کار کردن هنرمندان به دو صورت بر موسیقی ایران تاثیر گذاشته است؛ اول اینکه موجب تولید آثاری شده که روایتگر حس و حال واقعی جامعه هستند. از سوی دیگر عدم حضور این هنرمندان بر صحنه، موجب پایین آمدن عیار اجراهای صحنه‌ای شده است.

مخاطب هم حس و حال چند سال پیش را برای حضور در اجراها ندارد که این مسئله هم دلایل اقتصادی و هم دلایل اجتماعی دارد.

وقتی به سایت‌های بلیت‌فروشی سری می‌زنیم؛ تعداد کنسرت‌های موسیقی پاپ تا دلتان بخواهد زیاد است. اما در حوزه موسیقی ایرانی، موسیقی نواحی و موسیقی کلاسیک؛ باید با ذره‌بین دنبال اجراها بگردیم و تعدادشان بسیار اندک است. علت این مسئله را چه می‌دانید؟

به نظرم به زودی شاهد کم شدن تعداد اجراهای موسیقی پاپ هم خواهیم بود. چون در گذشته ارگان‌های بسیاری اقدام به خرید بلیت کنسرت‌های پاپ می‌کردند. اما اکنون به دلیل فشارهای اقتصادی و یا اولویت‌های دیگر، خرید این بلیت‌ها از سوی ارگان‌های مختلف متوقف شده است. آرام آرام با سالن‌های خالی کنسرت‌های پاپ هم مواجه خواهیم شد.

به زودی شاهد کم شدن تعداد اجراهای موسیقی پاپ هم خواهیم بود. چون در گذشته ارگان‌های بسیاری اقدام به خرید بلیت کنسرت‌های پاپ می‌کردند. اما اکنون به دلیل فشارهای اقتصادی و یا اولویت‌های دیگر، خرید این بلیت‌ها از سوی ارگان‌های مختلف متوقف شده است.

به نظرم باید رویکردمان را تغییر دهیم. اگر می‌خواهیم با جامعه گفت‌وگوی درستی داشته باشیم و خوراک فرهنگی تولید کنیم که حداقل در همین کشورهای همسایه قابل رقابت باشد، باید سیاست‌گذاری را تغییر دهیم و نگاهمان را باز کنیم و پذیرای نقدها باشیم.



شما پروژه‌ها و تاریخ را از چندی پیش آغاز کرده‌اید و حدود دو سال است که درگیر این پروژه هستید. مختصری درباره تاریخ و تاریخ برایمان بگویید.

کشورما پر است از بناهای تاریخی که هر کدام می‌تواند جایی برای جذب گردشگر باشد. بناهایی که برخی از آنها در نقاط مختلف کشور به امان خدا رها شده‌اند. بسیاری از این بناهای تاریخی بر اثر باد و باران و گرما و سرمای طبیعی و غیر طبیعی در حال تخریب هستند. در عین حال کشورهای دیگر را می‌دیدم که با داشته‌هایی بسیار کمتر از ما، چقدر تلاش می‌کنند که گردشگران را به کشورشان بکشانند و رونق اقتصادی ایجاد کنند.

در عین حال تقارنی هم میان موسیقی ایرانی به عنوان میراث غیر ملموس با این بناهای تاریخی به عنوان میراث ملموس ما وجود دارد. احساس کردم که می‌توانیم آثاری را با نگاه به تاریخ آن منطقه و با نگاه به موسیقی همان منطقه و البته قصه‌ی آن بنا، آثاری را با شخصیت مجزا تولید کنیم.

تا کنون به حدود بیست استان سفر کرده‌ایم که شامل بیش از هشتاد شهر می‌شود. تا کنون حدود 120 قطعه موسیقی را به صورت تصویری ثبت و ضبط کرده‌ایم.

این آثار منتشر هم شده‌اند؟

برخی از این آثار منتشر شده‌اند و برخی هم در آینده و به مرور منتشر می‌شود.

این پروژه کاملاً مستقل است؟

بله.

یعنی هیچ ارگانی برای انجام این کار حمایت مالی از شما ندارد.

خیر. کاملاً مستقل است.



نوازندگان و خوانندگانی که قرار است در این قطعات با شما همکاری کنند را چطور انتخاب می کنید؟

پروژه تار و تاریخ موسیقی با کلام را ارائه می کند. چهار سال پیش پروژه ای آواز معاصر را داشتیم که در آنجا بیش از 100 خواننده خوب را فارغ از جنسیت شان در عرصه موسیقی ایرانی در نقاط مختلف کشور شناسایی کردیم. از بین این خوانندگان داوری انجام شد و بهترین ها را انتخاب کردیم. معمولاً خوانندگانی که با تار و تاریخ همکاری می کنند، از میان همین برگزیدگان آواز معاصر انتخاب می شوند.

از سوی دیگر با موسسات فرهنگی و فعالان عرصه موسیقی در شهرهای دیگر در ارتباط هستیم و به هر شهری که قرار است سفر کنیم، از استعدادهای آن شهر و آن منطقه استفاده می کنیم. از این طریق تلاش می کنیم تا در بستر پروژه تار و تاریخ، استعدادهای عرصه موسیقی در نقاط مختلف کشور دیده شوند.

هماهنگی ضبط این قطعات در بستر بناهای تاریخی به چه صورتی انجام می شود. میراث فرهنگی همکاری لازم را با شما دارد؟

برخی از بناها یا در حال مرمت و یا در حال نگهداری هستند. برای حضور در این بناها با میراث فرهنگی هماهنگ می‌کنیم و درخواست‌مان را به صورت مکتوب به آنها ارائه می‌کنیم. این پروژه در حال حاضر در جامعه فرهنگی هنری کشور شناخته شده است. معمولاً عزیزان میراث فرهنگی برای انجام کار و پیشرفت پروژه همکاری لازم را دارند.

برخی از بناها اساساً به امید خدا رها شده‌اند و هیچ نگهداری و نگهداری ندارند. ما به این بناها می‌رویم و در آنجا اجرا می‌کنیم تا حداقل شناسنامه‌ای تصویری از این بناها ثبت و ضبط شود.

برخی از بناها اساساً به امید خدا رها شده‌اند و هیچ نگهداری و نگهداری ندارند. ما به این بناها می‌رویم و در آنجا اجرا می‌کنیم تا حداقل شناسنامه‌ای تصویری از این بناها ثبت و ضبط شود.

برخی از این بناها به حدی به حال خود رها شده‌اند که اگر مجنونی پیدا شود و با کلنگ این بناها را تخریب کند، هیچ کسی نیست که جلوی او را بگیرد.

قطعات را در استودیو ضبط می‌کنید و سپس برای ضبط ویدیو به محل مورد نظر می‌روید. برای ضبط موسیقی در استودیو، نوازندگان و خوانندگان را به تهران می‌آورید یا در همان شهر خودشان ضبط می‌کنند و حاصل کار را برای شما ارسال می‌کنند.

بیشتر نوازندگان و خوانندگان برای اجرا در استودیو به تهران می‌آیند. چون در شهرهای دیگر متاسفانه استودیوهای خوبی ندارند. به شهرهای بزرگ نگاه نکنید، شهرهای کوچک از این امکانات محروم هستند. در تهران استودیوهایی هست که چندین و چند میلیارد برایشان هزینه شده است. کیفیت و کوالیتی این استودیوها با استودیوهایی که در شهرهای کوچک هست، قابل مقایسه نیست.

چون در شهرهای دیگر متاسفانه استودیوهای خوبی ندارند. به شهرهای بزرگ نگاه نکنید، شهرهای کوچک از این امکانات محروم هستند.

ترجیح ما این است که این دوستان به تهران بیایند و اینجا کارشان ثبت و ضبط شود. به خصوص برای نوازندگان سازهای محلی که فرصت اجرا در استودیوهای درجه یک را نداشته‌اند.

نگاه من صرفاً به داخل ایران نیست و نگاهی بین‌المللی دارم. انتشار جهانی آثار مد نظر است و برایم مهم است که کیفیت آثار از نظر کوالیتی قابل رقابت در سطح بین‌المللی باشد.

در انتشار جهانی هم موفق بودید و «تار و تاریخ» توانست دو جایزه بین‌المللی را به خود اختصاص دهد.

با کمک دوستان و عزیزانی که کنار پروژه قرار گرفته‌اند و تلاش‌هایی که برای انتشار درست این آثار انجام شد، توانستیم این افتخار را برای جامعه موسیقی ایران به ارمغان بیاوریم و دو جایزه از رقابت گلوبال موزیک آواردز را برای ایران به ارمغان بیاوریم.

در کدام بخش‌ها؟

در بخش نوازندگی بهترین نوازنده این فستیوال شدم که بیش از بیست هزار اثر در آن حضور داشتند. همچنین جایزه بهترین موسیقی فولک را هم به خود اختصاص داد.



photo : Mohammadhosein Movahedinejad

این خبر بسیار بازخوردهای خوبی در فضای موسیقی داشت و نشان داد که ظرفیت‌های موسیقی ایرانی بسیار بالاست و می‌تواند افتخارات زیادی را در سطح بین‌الملل به خود اختصاص دهد. نگاهتان در انتخاب هنرمندانی که با پروژه همکاری می‌کنند چگونه است. گاهی در شهرستان‌ها دیده شده که محدودیت‌هایی برای نوازندگان زن ایجاد می‌شود. برای اجراهای شما این اتفاق افتاده است؟

پرسش ابتدایی شما این بود که چرا اوضاع موسیقی در حال حاضر اینگونه است. من در پایان آن پرسش گفتم که ما باید سیاست‌گذاری‌هایمان را تغییر دهیم. فکر می‌کنم که در یکی دو سال گذشته این نکته اثبات شده که باید نقد را پذیرفت.

ما مسیری را در طی چند دهه گذشته طی کرده‌ایم؛ زمانی داشتن ویدیو در خانه‌ها قدغن بود. بعد از مدتی دیدند که جلوی این فضا را نمی‌شود گرفت و معقول نیست. باید با زمانه پیش آمد و با زمانه تغییر کرد. ما نسلی را داریم که در همین مملکت پرورش یافته‌اند، در کلاس درس همین آموزش و پرورش درس خوانده‌اند و الان مثل ما فکر نمی‌کنند. ما باید به آنها احترام بگذاریم. درستش هم همین است.

ما نسلی را داریم که در همین مملکت پرورش یافته‌اند، در کلاس درسِ همین آموزش و پرورش درس خوانده‌اند و الان مثل ما فکر نمی‌کنند. ما باید به آنها احترام بگذاریم.

من و هم‌نسلانم توقعاتی داشتیم که به این توقعات احترامی گذاشته نمی‌شد و ما معترض بودیم. اما آرام آرام فضا برای همان توقعات فراهم شد.

ما با تکنولوژی نمی‌توانیم بجنگیم. راهکار این است که ما خودمان انتخاب کنیم که برنده این نبرد باشیم. نباید بازنده بودن را انتخاب کرد. در این کشور ظرفیت‌هایی تربیت شده‌اند؛ چه در حوزه نوازندگی و خوانندگی در حوزه موسیقی دستگاهی و نواحی؛ چه خانم‌ها و چه آقایان؛ همه این ظرفیت‌ها فوق‌العاده هستند و برای این کشور افتخار آفرین هستند. اینکه نوازنده خانم باشد یا آقا واقعا گذشته است. تاریخ مصرف این نگاه گذشته است. ما باید به دنبال اهداف فرهنگی‌مان و به دنبال حفظ فرهنگ‌مان باشیم؛ مگر رسالتی جز این داریم!

ما با تکنولوژی نمی‌توانیم بجنگیم. راهکار این است که ما خودمان انتخاب کنیم که برنده این نبرد باشیم. نباید بازنده بودن را انتخاب کرد. در این کشور ظرفیت‌هایی تربیت شده‌اند؛ چه در حوزه نوازندگی و خوانندگی در حوزه موسیقی دستگاهی و نواحی؛ چه خانم‌ها و چه آقایان؛ همه این ظرفیت‌ها فوق‌العاده هستند و برای این کشور افتخار آفرین هستند.

چندی پیش آقای علیرضا قربانی می‌خواست کنسرت خود را در اصفهان برگزار کند. اما به دلیل حضور نوازندگان زن به او اجازه برگزاری ندادند. جالب اینکه معاون هنری وزیر و البته خود وزیر فرهنگ موضع گرفتند و اعلام کردند که این کنسرت باید برگزار شود و حضور نوازندگان زن روی صحنه منع قانونی ندارد. وزیر فرهنگ موضع تندی گرفت و گفت

که وقتی وزارت فرهنگ مجوز می دهد، کسی نباید جلوی برگزاری اجرا را بگیرد. وقتی چنین اجراهایی روی صحنه می رود متوجه می شویم که بخش زیادی از مردمان آن منطقه خواستار برگزاری این اجراها هستند.

نوازندگان زن مشکلی در پوشش و در رفتارشان ندارند. نوازندگان ویلنسل و ویلن و سازهایی از این دست، رسمی پوشش ترین نوازندگان هستند که در تمام دنیا نوازنده دارند. تازه ما داریم دوباره موسیقی دستگاهی، دوباره شعر حافظ و مولانا و سعدی و سایه صحبت می کنیم.

وقتی در چنین جایی تندروری می شود ربطی به موسیقی ندارد و باید در جای دیگری دنبال علتش بگردیم. اگر مدیران بالادستی این نوع تندروری ها حمایت نکنند، ریشه اش خشکانده می شود.



خوشبختانه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم موضع تندی دوباره لغو کنسرت آقای قربانی در اصفهان گرفت و اعلام کرد که این کنسرت در اصفهان باید برگزار شود.

واقعا سود این اتفاق (لغو کنسرت قربانی در اصفهان) چه بود برای کشور؟

به جز ضرر چیز دیگری نداشت.

دلم می‌سوزد. وقتی می‌بینم که استعداد های جوان، چه دختر و چه پسر در حوزه نوازندگی و خوانندگی داریم که در بخش موسیقی دستگاہی و نواحی می‌توانند فرهنگ این کشور را حفظ کنند و کارشان را به بهترین شکل انجام دهند و البته رکود را هم از بازار موسیقی بردارند. در چنین شرایطی این همه فشار برای اینکه نوازنده و خواننده خانم روی صحنه نرود را متوجه نمی‌شود.

نوازنده خانم روی صحنه می‌خواهد برود و وزیر فرهنگ گفته که منع قانونی ندارد. کدام جریان از این ماجرا سود می‌برد! جریانی از این اتفاقات سود می‌برد که موافق فرهنگ سازی نیست! ما اگر نگران بچه‌هایمان هستیم که هر خوراک غیر فرهنگی را نشنوند؛ نباید در اینجا نگران باشیم!

نوازنده خانم روی صحنه می‌خواهد برود و وزیر فرهنگ گفته که منع قانونی ندارد. کدام جریان از این ماجرا سود می‌برد! جریانی از این اتفاقات سود می‌برد که موافق فرهنگ سازی نیست! ما اگر نگران بچه‌هایمان هستیم که هر خوراک غیر فرهنگی را نشنوند؛ نباید در اینجا نگران باشیم! باید بررسی شود، اگر قانون مجوز صادر کرده و فردی اعمال سلیقه غیرقانونی کرده است، باید برخورد شود و نهادهای قضایی هم طبق قانون برخورد کنند.

اتفاقا چندی پیش قطعه جدید ساسان یافته (ساسی) منتشر شد که در سطح وسیعی از جامعه آن را شنیدند. بسیاری از خانواده‌ها از تاثیر منفی این اثر بر کودکان‌شان نگران بودند. جالب اینکه مخاطب اصلی آهنگ‌های ساسی در چند سال اخیر، قشر کودک و نوجوان بوده و بیشتر به تاثیرگذاری روی این قشر از جامعه است. آن هم تاثیری که بسیار منفی و نگران کننده است. می‌خواهم نظرتان را درباره آهنگ ساسی بدانم.

این آثار از نظر موسیقایی کاورهایی چرک از آثار دیگران است. وقتی می‌خواهیم آهنگی را بررسی کنیم، باید شعر و

تصویر را کنار بگذاریم و ببینیم چه می‌شنویم. در این اثر که مورد بحث است تقریباً هیچ چیزی از نظر موسیقی ندارد. اما چه چیزی باعث می‌شود که چنین آهنگ‌هایی بسیار دیده شود؟ یکی از این دلایل ذات آزادی در کلام است؛ خواننده هر مزخرفی که دوست دارد به زبان می‌آورد و اصلاً لازم نیست به جایی پاسخگو باشد. این در حالی است که ما در کشورمان هنری را داریم که به شدت کنترلش می‌کنیم که چیزی به زبانش نیاورد! حتی کوچکترین کلمات را. نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه این است که مخاطب داخلی که در فضایی ایزوله، فعالیت‌هایی ایزوله شده را می‌بیند؛ به چنین آهنگ‌هایی جذاب می‌شود.

این آثار از نظر موسیقایی کاورهایی چرک از آثار دیگران است. وقتی می‌خواهیم آهنگی را بررسی کنیم، باید شعر و تصویر را کنار بگذاریم و ببینیم چه می‌شنویم. در این اثر که مورد بحث است تقریباً هیچ چیزی از نظر موسیقی ندارد.

نکته بعدی مربوط به ویدیو است؛ تولید کننده به جای اینکه به موسیقی و محتوا بپردازد، به تصویر و فرم توجه می‌کند. چیزهایی که در جامعه شناخته شده است را کنار هم می‌گذارد و ویدیویی را تولید می‌کند. تا اینجا را کنار بگذاریم. مشکل بزرگ من با چنین آثاری این است که قشر کودک و نوجوان را هدف قرار می‌دهد. خواننده چنین کاری می‌داند که افراد سی و چهل ساله حوصله دیدن و شنیدن چنین آثاری را ندارند و برایشان جذابیتی ندارد. اما نوجوانی که هیجان زده است و دوست دارد حرف‌هایی را بشنود؛ سراغ چنین آثاری می‌رود. خواننده این آهنگ‌ها، یعنی امثال ساسی از کودکان و نوجوانان سوءاستفاده می‌کند.

خواننده هر مزخرفی که دوست دارد به زبان می‌آورد و اصلاً لازم نیست به جایی پاسخگو باشد. این در حالی است که ما در کشورمان هنری را داریم که به شدت کنترلش می‌کنیم که چیزی به زبانش نیاورد! حتی کوچکترین کلمات را. نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه این است که مخاطب داخلی که در فضایی ایزوله، فعالیت‌هایی ایزوله شده را می‌بیند؛ به چنین آهنگ‌هایی جذاب می‌شود.

برمی گردم به حرف قبلی؛ عزیزان، برادران من بازنده بودن را انتخاب نکنید. اشتباه از ماست که برماست. ما خودمان مسیری را می رویم که یارای رقابت با هیچ چیزی را نداشته باشیم. ما با کشورهای همسایه هم نمی توانیم رقابت کنیم؛ آنها هم محدودیت هایی دارند. مگر در عربستان و دیگر کشورهای اطراف هر کسی هر کاری دلش بخواهد را می تواند انجام دهد! ولی آنها به جامعه فرهنگی شان اعتماد می کنند. ما این اعتماد را نداریم و نتیجه فرمایشی و دستوری می شود. این شیوه مدیریت مال سال 1940 است. به هنرمند اعتماد کنیم، مطمئن باشیم که نتیجه شیرین تری دارد.

مشکل بزرگ من با چنین آثاری این است که قشر کودک و نوجوان را هدف قرار می دهد. خواننده این آهنگ ها، یعنی امثال ساسی از کودکان و نوجوانان سوءاستفاده می کند.

ما در داخل کشور برای مقابله با چنین محتواهایی چه می توانیم انجام دهیم. بالاخره چنین آثاری ساخته و منتشر می شوند و برای مخاطب داخلی قابل دسترس هستند. ما چگونه می توانیم با کار فرهنگی با این تهاجم فرهنگی مقابله کنیم؟

ما باید انتخاب های صحیح داشته باشیم. ما شبکه ای نداریم که از صبح تا شب موزیک ویدیو پخش کند. انتشار ساز در رسانه ملی هنوز محل بحث است؛ یعنی هنوز داریم فکر می کنیم که دوتار خراسان را نشان دهیم یا خیر؛ در حالی که با همین دوتار موسیقی عبودی اجرا می شود. تنبور را نشان دهیم یا خیر؛ در صورتی که موسیقی عرفانی با آن اجرا می شود.

ما خودمان مسیری را می رویم که یارای رقابت با هیچ چیزی را نداشته باشیم. ما با کشورهای همسایه هم نمی توانیم رقابت کنیم؛ آنها هم محدودیت هایی دارند. مگر در عربستان و دیگر کشورهای اطراف هر کسی هر کاری دلش بخواهد را می تواند انجام دهد!

ما هنوز نگران این هستیم که نوازنده خانم موسیقی دستگاهی یا موسیقی نواحی اجرا کند یا نه! نوازندگان خانم در همین پروژه تار و تاریخ برای کشور افتخار آفرینی کردند، افتخاراتی از این دست برای همه مردم است، چرا باید با سخت گیری‌های غیر منطقی راه را برای تولید هنر والای کشورمان ببندیم؟ این رویه و تندروی در این حوزه، فقط زمینه را برای سودجویان مساعد و هنرمندان را دلسرد می‌کند، بسیاری مجبور به ترک دیارشان می‌شوند. در صورتی که می‌توان با کمی مدیریت صحیح و نگاه دقیق و کارشناسی از تمامی این ظرفیت‌های کشور استفاده کرد. تازه آن هم در جایی که بسیاری از مراجع دینی هم نگاهشان به نوازندگی خانم‌ها، نگاه صفر و صدی نیست.

نشان دادن تصویر ساز در رسانه ملی هنوز محل بحث است؛ یعنی هنوز داریم فکر می‌کنیم که دوتار خراسان را نشان دهیم یا خیر؛ در حالی که با همین دوتار موسیقی عبودی اجرا می‌شود. تنبور را نشان دهیم یا خیر؛ در صورتی که موسیقی عرفانی با آن اجرا می‌شود.



گاهی به این فکر می‌کنم که همین مسئله‌ای که برای آقای قربانی در اصفهان پیش آمد، چه نتایجی در پیش دارد و کسانی که این اجرا را لغو کردند به دنبال چه اهدافی هستند. آقای قربانی پشت نوازندگان زن گروهش ایستاد و بدون خانم‌ها روی صحنه نرفت. این تقابل ایجاد می‌کند و دو قطبی تنها نتیجه آن است.

بسیاری از مردم اصفهان علاقه‌مند به دیدن کنسرت آقای قربانی هستند. وقتی زمینه چنین اتفاقی فراهم نمی‌شود، مخاطبان چه فکری می‌کنند! غیر از این است که چنین اتفاق‌هایی باعث کاشته شدن بذر نفاق می‌شود و دو قطبی ایجاد می‌کند! اینجا ایران است و یک قانون دارد. ما موظفیم سر تسلیم به قانون فروبیاوریم و دقت کنیم که مردم چه می‌خواهند.

بسیاری از مردم اصفهان علاقه‌مند به دیدن کنسرت آقای قربانی هستند. وقتی زمینه چنین اتفاقی فراهم نمی‌شود، مخاطبان چه فکری می‌کنند! غیر از این است که چنین اتفاق‌هایی باعث کاشته شدن بذر نفاق می‌شود و دو قطبی ایجاد

می‌کند!

امیدواریم که این مشکلات دیگر پیش نیاید، چون تاثیر بدی در جامعه دارد. شکر خدا معاون هنری وزیر فرهنگ و البته خود وزیر فرهنگ پشت این ماجرا ایستادند و از برگزاری این کنسرت حمایت کردند. به احتمال زیاد، اجرای آقای قربانی در اصفهان برگزار خواهد شد اما باز هم چنین وقفه‌هایی موجب رکود و سرخوردگی می‌شود.

بگذارید من درباره یکی از اتفاق‌هایی که در جریان همین پروژه‌ها و تاریخ رخ داد صحبت کنم. سال گذشته می‌خواستم به استان خراسان بروم. با معاون میراث فرهنگی استان صحبت کردم که بسیار هم محترم بودند. شماره تلفی از رئیس پایگاه طوس برایم ارسال کردند. من می‌خواستم در روبه‌روی مقبره فردوسی بزرگ و در جوار آرامگاه استاد شجریان اثری را ضبط کنم.

از من خواستند که نامه‌ای به عنوان درخواست ارسال کنم. کار مثل همیشه پیش رفت تا اینکه مدیر روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی با من تماس گرفت. از من خواست اشعار را برایش بفرستم که ایشان چک کند. به او گفتم اشعار فردوسی را بفرستم که شما چک کنید! به او گفتم که شما می‌خواهید من را ممیزی کنید؛ چه کسی به شما به عنوان مدیر روابط عمومی چنین اجازه‌ای داده است.

یک نفر در یک جا سلیقه شخصی‌اش را اعمال می‌کند و ما هم نمی‌رویم چون نمی‌خواهیم شان خود را خدشه‌دار کنیم. این حساسیت و این رفتار بی‌جا به چه دلیل است؟ مدیران ما باید یاد بگیرند که به میزها نچسبند و بدانند که میزها به کسی وفا نمی‌کند. تمامی مسئولان فرهنگی کشور خادمان مردم و اهالی هنرند. این دیدگاهی ست که باید ترویج شود.

البته لازم است بگویم مسئولان میراث فرهنگی در جاهای دیگر و در شهرهای دیگر، بسیار با ما با احترام رفتار می‌کنند.

بگذارید نگاهی به موسیقی کودک هم داشته باشیم. به نظر می‌رسد که بخش موسیقی کودک و نوجوان در داخل کشور، تولیدات چشمگیری ندارد. همین مسئله هم فضا را برای امثال ساسی‌ها فراهم کرده است. به نظر تان موسیقی ایرانی ظرفیت لازم برای تولید آثار برای مخاطبان کودک و نوجوان را دارد؟

مگر وقتی ما نوجوان بودیم موسیقی ایرانی همین رسالت را برعهده نداشت! همین نغمه‌های آن دوران می‌توانست به روزرسانی شود. مگر موسیقی که امروز ارائه می‌شود همان موسیقی دهه 30 و 40 است! قطعاً تغییر کرده است. آنچه در موسیقی کودک ارائه می‌شد، امروز باید شکل و شمایلش تغییر کند و ما به این سمت و سو نرفته‌ایم.

برخی از مسئولان ما گاهی صحبت‌هایی می‌کنند که بسیار تعجب‌برانگیز است. مثلاً می‌گویند که هنرمندان ما باید فلان چیز را تولید کنند. خب این تولید هزینه دارد. هنرمند برچه اساسی باید وارد عرصه تولید شود؟ آیا اگر تولید کرد، حقوق مادی و معنوی‌اش حفظ می‌شود؟ قانون کپی رایت هم که نداریم.

برای درست کردن این اوضاع باید قوانین فرسوده را تغییر دهیم. قوانین جدیدی در این حوزه وضع کنیم، بازوی اجرایی و در نهایت بازوی نظارتی را داشته باشیم.

برای درست کردن این اوضاع باید قوانین فرسوده را تغییر دهیم. قوانین جدیدی در این حوزه وضع کنیم، بازوی اجرایی و در نهایت بازوی نظارتی را داشته باشیم.

اگر به من بگویید که از این به بعد تمام آثارم با حق کپی رایت فروخته می‌شود؛ من در چنین شرایطی حاضرم 10 درصد از درآمد را مالیات پرداخت کنم و از دولت هم تشکر می‌کنم که حقوق من را حفظ کرده است. اگر صدا و سیما اثری از من پخش می‌کند باید بابتش به من هزینه پرداخت کند نه اینکه فکرش این باشد دارد به هنرمند لطف میکند که اثرش را پخش می‌کند!

سپاس از شما. در پایان این گفت‌وگو اگر نکته‌ای لازم است که به مباحث مطرح شده اضافه شود، برایمان بگویید.

خواهشی که دارم این است که بچه‌های این سرزمین، چه دختر و چه پسر، کسانی که برای فرهنگ این سرزمین تلاش کرده‌اند، کسانی که تلاش کرده‌اند موسیقی و هنر را تولید کنند که ریشه فرهنگی دارد را قدرشان را بدانیم. روی صحبت‌م درباره خودم و امثال خودم نیست؛ منظورم نسل جدیدی است که الان در حال رشد هستند. باید بچه‌های این دوره

را ارج بنهیم و هوایشان را داشته باشیم. باید از برخورد سلیقه‌ای با این بچه‌ها پرهیز کنیم. این‌ها سرمایه‌های کشورند.

گفت‌وگو: یاسر یگانه

انتهای پیام/

انتهای پیام/